

ماهنامه
تبدیل

مسیحی ۵۸

تبدیل

شماره
خداوند
ارزش
دارید





شفا اراده خدا کشیش رضا صفا
 طبیب محبوب من
 من صلیب او را به دوش گرفت.
 ستون خنده
 موفقیت در زندگی زناشویی
 ضرب المثلی مشهور ایرانی

ماهانماه تبدیل

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: النان باغستانی
 ویرایش: نازنین باغستانی
 طرح روی جلد: النان باغستانی
 ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح

خواهشمندیم که جهت دریافت نسخه الکترونیکی و چاپی ماهنامه تبدیل، فرم اشتراک مربوطه را پر کرده و به آدرس ما ارسال نمایید.

آدرس ماهنامه:

Iran for Christ Ministries
 P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

تلفن تماس: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸) - ۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

Tabdil@IRANforCHRIST.com
 www.SimaMasih.com
 www.Tabdilmagazine.blogfa.com

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی‌ها را چاپ کرده و یا رد کند.
 We have the right to refuse publishing.



بخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دوشنبه ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت لس آنجلس در شبکه محبت آدرس اینترنتی: www.SimaMasih.com

همه چیز برعکس شد...



چهل روز بعد از به صلیب کشیدن عیسی مسیح دوران بسیار حساس و قابل تعمق و سرنوشت سازی در تاریخ مسیحیت بشمار می‌آید زیرا صحت یا عدم صحت باورهای مسیحی وابستگی انکارناپذیری به وقایع این دوران دارد. بخاطر همین کلان و رئیس کاهنان و کاتبان و فریسیان و ملایان روی محو حقایق بعد از صلیب شدن عیسی مسیح سرمایه گذاری سخاوتمندانه‌ای کردند و هرگونه استعداد و هنر و سیاست و تلاش و همت و صرف وقت و از خودگذشتگی و ایثار که میتوانستند بخرج دادند تا حقایق را ابتدا در چشم مردم و بعد در چشم سیاست خارجی وارونه جلوه بدهند. آنها تمام سرمایه گذاری خود را متوجه سپاهیان کردند که برای دفاع از منافع شخصی خود بوجود آورده بودند متنی فصل ۲۸ میگوید: نقره بسیاری به سپاهیان دادند و آنها را کاملاً از هر نظر تأمین و تطمیع کردند تا حقیقت را نزد مردم انکار کنند و قول دادند که اگر تصادفاً نماینده حکومت روم حقیقت را فہمید ما خودمان او را تطمیع و راضی میکنیم. عبارتی گفتند تفہیم مردم با شما سروپوش گذاشتن روی حقایق در نزد قیصر روم هم با قدرت سفسطه و مغلطه ما. اما جالب است همه چیز برعکس شد و عیسی مسیح بمدت چهل روز بعد از قیام از مردگان خویشتن را به دلیل های بسیار زنده ظاهر ساخت اعمال رسولان فصل اول. بله در جلوی چشم قیفا وقایع بطور دیگری اتفاق افتاد و حقایق بطور متفاوتی نوشته شد و خبرها در جهت مخالف برنامه و سرمایه گذاری شورای مذهبی کاهنان و مشایخ پخش شد. و در نهایت با زنده شدن عیسی مسیح تاریخ برعکس آنچه مشایخ خواستند و گفتند و ادعا کردند در مسیری ۱۸۰درجه مخالف طینت و نیت و ذهنیت آنها به ثبت رسید.

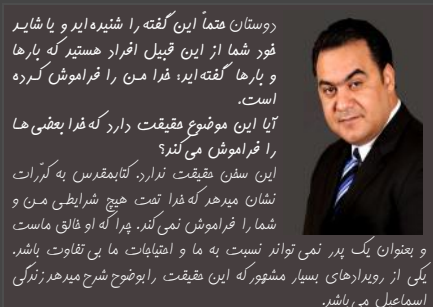
همچنین...

در فصل ششم کتاب دانیال فرمانی از طرف پادشاه صادر و امضاء شد که دانیال در چاه شیران افکنده شود و چون تحت هیچ شرایطی فرمان پادشاه نباید منسوخ می شد پس دانیال حقیقتاً با چاه شیران افتاد و حتی سنگی را هم که بر درچاه افکنده بودند به مهر و موم غیر قابل شکستن پادشاه مختوم کردند. ولی در فرادی آروز علیرغم تمام دسیسه‌های وزیران و انواع توطئه‌های فرمانداران مبنی بر نابودی دانیال که سد راه از زور و مقام و عنوان پرستی آنها بود همه چیز برعکس شد دانیال زنده بیرون آمد و همه توطئه گران به همان چاهی که برای دانیال تدارک دیده بودند افتادند و شیرهای گرسنه‌ای که شب قبل به احترام دانیال اجباراً روزه گرفته بودند روزه خود را با گوشتهای لطیف و نرم و آفتاب مهتاب ندیده‌ای از جنس وزیران و والیان باز کردند و پادشاه فرمانی صادر کرد که همه به خدای دانیال احترام بگذارند و دانیال تا به آخر عمر در پیروزی و احترام زیست. بیایند نگاه مذهبی به این بخش را دور بیندازیم و با دیدی واقع بینانه به آن بنگریم مطمئناً کلام خدا ماجرای دانیال را برای در آوردن اشک و ناله و ترحم ما بحال او نوشته. بلکه خدا بوسیله ماجرای فوق درسهایی هیجان انگیزی برای ما دارد که اکثرآدر موقعیت و شرایط دانیال افکنده در چاه شیران هستیم. پادشاه علیرغم میل خودش اجباراً دانیال را به چاه شیران انداخت چون قبلاً بدون هیچ تعمق و حکمت آسمانی فرمانی صادر کرده بود که نمیتوانست آنرا باطل کند. بیچاره پادشاه قبل از اینکه دانیال به دندانهای شیران نزدیک شود در لابلای دندانهای فرمانی که صادر کرده بود گیر کرده و در حال خرد شدن بود. اما در بیست و چهار ساعت آینده خدا دانیال را به او داد تا فرا بگیرد چطور شرایط غیر قابل تغییر را برعکس کند. آیا حاضرید شرایط نامساعد محیط و زندگی خود را برعکس کنید؟ یا بیایید از خدا بخواهیم این درس را با ما بگذارند. دلیل اینکه دنیا و شرایط حتماً تغییر می کند بخاطر اینست که طبیعت پدران خدای ما هرگز تغییر نمیکند. ایمان به خدای تغییرناپذیر همه شرایط را تغییر پذیر میکند. اگر گناه و اشتباهی از روی اجبار یا وسوسه یا بنابه طبیعت گناه آلود گذشته تان انجام داده‌اید وحالا از انجام آن پشیمان هستید و حاضرید اشتباهتان را بپذیرید و مسئولیت گناهتان را علناً بعهده بگیرید و برای جبران آن قیمت پرداخت کنید و از آن دست بردارید و در جهت برعکس آن قدم بردارید همه چیز برعکس خواهد شد.

اما طریق برعکس کردن شرایط...

پادشاه از خویشتن خشکین شد عبارتی خودش را مقصر دانست و مسئولیت عمل شنيع خود را رسماً پذیرفت و به گردن وزیران و فرمانداران ولایتها نگذاشت او حقیقتاً پذیرفت که نه فریب سادگی اش بلکه فریب بدون مشورت الهی تصمیم گیری اش را خورده و این اگرچه ابتدایی ترین قدم ولی مهمترین قدمی است که در جهت برعکس کردن شرایط باید برداریم. پادشاه دل خود را به رها کردن دانیال مشغول ساخت. او در جهت جلو گیری از انجام گناهی که در حال انجام شدن بود برخاست و عمل نمود. پادشاه نگفت کاری است که شده تیر هم از کمان در رفته‌او با تمام قوت در جهت متوقف کردن گناه حرکت کرد اگر چه به جایی نرسید و سرعت عمل او در برابر سرعت عمل گناه دیده میشد ولی برای برعکس شدن شرایط حتی ناچیزترین قدمها هم موثر و سرنوشت ساز است. و اما عمل از همه اینکه پادشاه تمام اسباب عیش را از خود دور کرد و تمام شب را تا به صبح در حضور خدا روزه گرفت و درد پدیدار ایستاد و طوری دعا کرد که آدم شک میکند رهایی دانیال از دهان شیران جواب دعای خودش بود یا جواب روزه و دعای پادشاه؟ بهرحال فردا صبح همه چیز برعکس شد. اگر میخواهید شیرهای درنده این دنیا در برابر جسم و جان جگر گوشه‌هایتان که همچون دانیال به چاه شیران افتاده‌اند روزه بگیرید سعی کنید خودتان در حضور خدا روزه بگیرید. روزه گرفتن پادشاه شیران را وادار به روزه گرفتن کرد. آیه ۱۱ میگوید خود دانیال هم دهانش را باز کرد و شروع نمود به دعا کردن و همین باعث شد که در آیه ۲۳ خدا دهان شیران را ببندد. ثمره باز کردن دهان ما به شکر گذاری بسته شدن دهان شیران در برابر دانیال هاست. بیایند همه چیزهایی که در دنیا به نفع شرارت برنامه‌ریزی شده را برعکس کنیم.

هدایای مالی شما باعث طرقي ماهانماه تبدیل خواهد بود. برای رفاه حال شما عزیزان سرویس کارتهای اعتباری نیز فراهم می‌باشد. کمک مالی شامل معافیت مالی خواهد بود.



دوستان حتماً این گفته را شنیده اید و یا شاید خود شما از این قبیل افراد هستی که بارها و بارها گفته اید: فردا من را فراموش کرده است.
 آیا این موضوع حقیقت دارد که فردا بعضی‌ها را فراموش می‌کنند؟
 این سخن حقیقت ندارد. کتابمقدس به کرات نشان میدهد که فردا تمت هیچ شرایطی من و شما را فراموش نمی‌کند. چرا که او فائق ماست و بعنوان یک پدر نمی‌تواند نسبت به ما و اشتباهات ما بی تفاوت باشد. یکی از رویدادهای بسیار مشهور که این حقیقت را بوضوح شرح میدهد زندگی اسماعیل می‌باشد.

اسماعیل یعنی مسموع شرف از فردا، پیدایش ۱۶۱۱ او، تقریباً ۲۰۸۵ ق.م. زنگی می‌کرده است. اسماعیل پسر بزرگ ابراهیم از هاجر، یعنی کنیز مصری سارا بود. ابراهیم هشتاد و شش ساله بود که توسط هاجر صاحب این فرزند شد. فردا وعده پسرری را به ابراهیم داده بود و می‌بایست از سارا برتیا می‌آورد و تنها ابراهیم می‌بایست ایمان می‌داشت و هاجر می‌کرد تا فردا وعده خود را کامل کند. اما ابراهیم برخلاف اراده فردا با همسردش تصمیم گرفت تا فردا برای رسیدن به پنین هرفی اقرام نماید (اشقیاه بزرگ) در نتیجه اسماعیل برتیا آمد. اسماعیل و چهارده سال قبل از تولد اسبق برتیا آمد. در سن پانزده سالگی بود او از فانه ابراهیم رفت. در مورد اسماعیل می‌فوانیم که ششم و استوزا امیر یانشینی ابراهیم را از وی سلب کرد.

اینها بود که سارا درفواست کرد تا ابراهیم او را از فانه بیرون کند. ابراهیم بعنوان یک پدر از این کار هاضی نبود ولی فرزند او را مطمئن کرد که فواسته او را بنا آورد سپس ابراهیم نان و کوزه‌ای آب را به هاجر و پسرش دار و آتان را روانه کرد. در این داستان کوتاه قلب فردا را میتوان به روشنی دید. آری شاید در بعضی موارد ما انسانها لکرهایی انجام دهیم که سبب شود تا اسماعیلی در زنگی ما پدر آید، و این فردا را ششدر نسازد. اما با این وجود فردا وفادار است و ما را فراموش نمی‌کند. این لطف فراست. در بیابان بشرع آب آنها تمام شد. هاجر از اسماعیل فاصله گرفت و بناظر وضعیت پوجور آمده گریه می‌کرد که فردا گریه شان را شنید و پاه آبی را به آتان نشان داد. پشمان آنها باز شد. پیدایش ۲۱: ۱۸ به یاد داشته باشید که حتی اگر در بیابان زنگی باشد. فردا شما را فراموش نکرده است. فردا نیکوست و فکرهای او برای شما فکرهای عالی است. عیسی مسیح آب حیات است. او نیاز شما را می‌داند و در مشکلات به سوی شما می‌شاید. به او اعتماد کنید.

نس تبلیس، گوست ۲۰۱۰
 النان باغستانی

از کشتی نوح پیاموزیم



از قایق جا نمایند. به خاطر بسیاری که همه ما در یک قایقیم (سرنوشت مشترک) از قبل برنامه ریزی کنید. موقعی که نوح کشتی می ساخت از باران خبری نبود. خود را سالم و سرحال نگه دارید. امکان دارد در سن ۶۰ سالگی کسی از شما بخواهد که دست به کار بزرگی بزنید. به حرف نقادان و عیب جویان گوش ندهید، به کاری که باید انجام دهید بچسبید.

آینده تان را در جایی بلند مرتفع بنا کنید. برای رعایت مسائل ایمنی دوتایی سفر کنید. سرعت هیچ مزیتی ندارد، حلزون و یوزپلنگ هر دو در کشتی بودند. موقعی که دچار فشار روحی هستید، چندی روی آب غوطه خورید. به خاطر بسیاری کشتی نوح را یک غیر حرفه ای ساخت و کشتی تایتانیک را حرفه ای ها ساختند! هراسی از توفان به دل راه ندهید. موقعی که با خدایید، همیشه رنگین کمانی در انتظارتان است.



جعبه کفش

زن و شوهری بیش از ۶۰ سال با یکدیگر زندگی مشترک داشتند. آنها همه چیز را به طور مساوی بین خود تقسیم کرده بودند. در مورد همه چیز با هم صحبت می کردند و هیچ چیز را از یکدیگر پنهان نمی کردند مگر یک چیز: یک جعبه کفش در بالای کمد پیر زن بود که از شوهرش خواسته بود هرگز آن را باز نکند و در مورد آن هم چیزی نپرسد. در همه این سالها پیرمرد آن را نادیده گرفته بود اما بالاخره یک روز پیر زن به بستر بیماری افتاد و پزشکان از او قطع امید کردند. در حالی که با یکدیگر امور باقی را رفع و رجوع می کردند پیر مرد جعبه کفش را آورد و نزد همسرش برد.

پیرزن تصدیق کرد که وقت آن رسیده است که همه چیز را در مورد جعبه به شوهرش بگوید. پس از او خواست تا در جعبه را باز کند. وقتی پیرمرد در جعبه را باز کرد دو عروسک بافتنی و مقداری پول به مبلغ ۹۵ هزار دلار پیدا کرد پیرمرد در این باره از همسرش سوال نمود. پیرزن گفت: هنگامی که ما قول و قرار ازدواج گذاشتیم مادر بزرگم به من گفت که راز خوشبختی زندگی مشترک در این است که هیچ وقت مشاجره نکنید او به من گفت که هر وقت از دست تو عصبانی شدم ساکت بمانم و یک عروسک ببافم.

پیر مرد به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و سعی کرد اشک هایش سر از زیر نشود فقط دو عروسک در جعبه بود پس همسرش فقط دو بار در طول زندگی مشترکشان از دست او رنجیده بود از این بابت در دلش شادمان شد پس رو به همسرش کرد و گفت این همه پول چطور؟ پس اینها از کجا آمده؟ پیرزن در پاسخ گفت: آه عزیزم این پولی است که از فروش عروسکها به دست آورده ام.

شفا

اراده و خواست خدا



طریق شفای نوایمانان:

در کتاب یعقوب میخوانیم: اگر کسی در میان شما بیمار است... در نظر باشید که یعقوب رسول چه می فرماید. سؤال او اینست که اگر کسی در بین کلیسا بیمار است. چرا او این سؤال را می کند؟ چونکه به وسیله ایمان به کلام زنده خدا و از طریق زخمهای بدن اوست که ما

ایمانداران شفا یافته ایم. اما بعضی ها هنوز ایمانشان را به حدی تقویت نکرده اند که بتوانند از طریق ایمان به کلام خدا، وعده های او را دریافت کنند. نه تنها این، بلکه بعضی از ایمانداران ایمانشان بستگی به آنچه می بینند دارد. برای اینکه یک مسئله روحانی را بپذیرند بایستی اول از طریق احساس طبیعی شان آن را قبول کنند. این نوع افراد یک تازه ایمان هستند. چون کلام خدا در رساله دوم قرنتیان فصل ۱۳ آیه ۵ می فرماید: **راهنمای ما در زندگی ایمان ماست، نه آنچه می بینیم.**

در رساله اول قرنتیان فصل ۳ آیات ۱ الی ۳ می خوانیم: **اما ای دوستان من، من نتوانستم همان طور که با افراد روحانی صحبت می کنم، با شما سخن گویم، بلکه ناچار شدم، همان طور که با اشخاص نفسانی یا کسانی که در ایمان به مسیح هنوز خردسال هستند با شما صحبت کنم. به شما شیر دادم، نه غذای بزرگسالان را، زیرا برای آن آماده نبودید و هنوز آماده نیستید. چون شما هنوز هم نفسانی هستید. وقتی حسادت و نزاع در میان شما هست، آیا این نشان نمی دهد که نفسانی هستید و مثل سایر مردم رفتار می کنید... کسی که هنوز شیر می خورد قادر به تشخیص کلام نیکی مطلق نیست. امروزه در کلیساها ایمانداران زیادی هستند که در زیر این توییخ کلام هستند. اما نیکی مطلق چیست؟ نیکی مطلق ایستادن در حضور خدا یا قوای شیطان بدون هیچ حس ترس، کمبود و گناه است. رساله دوم قرنتیان فصل ۲۱ آیه ۵ می فرماید: **مسیح کاملاً بی گناه بود، ولی خدا به خاطر ما او را بی گناه نشناخت تا ما به وسیله اتحاد با او مانند خود خدا کاملاً نیک شویم.****

ایماندارانی که به وسیله این نیکی مطلق زیست می کنند و در کلام مسیح استوارند ایماندارانی هستند که بر تمام موقعت طبیعی و تمام قوای شیطانی پیروز هستند. کلام خداست که کلام نیکی مطلق است و به وسیله این کلام است که ما بر دنیا پیروز شده ایم. این کلام زنده خداست که انسانها را از بند تاریکی هایشان آزاد میسازد. وقتی یک ایماندار در کلام خدا رشد کرده و بر آن تکیه می کند، این کلام خداست که به او غذای روحانش را عطا می کند. همانطور که خداوند فرمود ما به وسیله نان زیست نمی کنیم بلکه بوسیله هر کلامی که از دهان خدا صادر می شود. ولی هنوز افرادی هستند که در ایمانشان طفل هستند و احتیاج دارند که دیگران برای آنها دعا کرده و جواب دعاهایشان را بگیرند. ایمان اینگونه افراد بر مبنای دعا و نیکی مطلق دیگران است. خود اطمینان ندارند که خدا دعای ایشان را می شنود. برای همین است که یعقوب می فرماید که اینگونه افراد مشایخ کلیسا را صدا کرده تا برای ایشان دعا کنند و دعای ایمان، بیماری آنها را شفا خواهد داد. فیض و محبت خداوند برای همه ما در هر سطحی که هستیم تمام احتیاجات ما را برآورده کرده است.

شفای مهیا شده به وسیله نجات مسیح:

در این چند بخش گذشته ما متوجه شدیم که شفا چطور به وسیله نام مسیح انجام می شود. همینطور به چه شکل افرادی که هنوز در ایمان خود طفل هستند به وسیله دعای مشایخ کلیسا شفا پیدا می کنند. حال بگذارید بفهمیم که چگونه شفا در مسیح به وسیله نجاتی که او برای ما مهیا کرده است یکی از امتیازات ماست. برای فهم این موضوع ابتدا به کتاب اشعیا نپی فصل ۵۳ آیات ۳ الی ۵ و ۱۴ و ۱۵ نگاه کنید. یکی از تفسیرهای انگلیسی زبان در مورد آیه ۱۵ اینطور می گوید: **خیلی ها در مورد او "مسیح" متعجب شدند. صورت او چنان شکسته شده بود که دیگر یک مثل صورت انسان نبود...** طبق رساله دوم قرنتیان فصل ۱۳ آیه ۵؛ مسیح گناه ما شد. آنچه ما بودیم او آن چیز شد. وقتی آن را بر خود حمل کرد، او نه تنها گناه ما شد بلکه همچنین او مرض ما را بر خود گرفت. وقتی گناه، درد و مرض تمام انسانها بر روی مسیح آمد، او دیگر صورت و ظاهر یک انسان را نداشت. تصور این مسئله برای اکثر ما مشکل است. آیا چنین محبتی ممکن است وجود داشته باشد؟ متوجه باشید در آیه ۴ و آیه ۱۰ می فرماید: **خدا بود که مسیح را مضروب کرد، خدا بود که بیماری ما را بر روی پسر خود مسیح عیسی گذاشت.** این عدالت الهی بود که طلب پرداخت مجازات و گناهان ما را می کرد. تأذیب سلامتی ما بر وی آمده، یعنی آنچه که جلوی صلح و آرامش ما را می گیرد بر روی او آمد. و از زخمهای بدن او روی صلیب است که ما شفا یافته ایم. این شفا دو هزار سال پیش قبل از اینکه ما به دنیا بیاییم برای ما مهیا شد. شفا یک مسئله روحانی است، چرا؟ چونکه سرچشمه مرض از گناهان ما انسانها است. قبل از گناه در جهان مرض، فقر و بدبختی وجود نداشت. مرض و درد و فقر موارد روحانی هستند، و خدا برای آنها یک راه حل روحانی برای همه ما انسانها مهیا کرد.

ادامه در شماره بعد...

برای خرید کتاب مقدس به زبان فارسی

با ما تماس حاصل نمائید

۸۰۰۰ - ۶۸۱ (۹۴۹)

۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)

